



نشریه علمی - تخصصی بنیاد اندیشه
سال سوم، شماره یازدهم، بهار ۱۳۹۷

ویژه نظام تعلیمی - تحصیلی افغانستان

صاحب امتیاز: بنیاد اندیشه

مدیرمسئول: داکتر محمدامین احمدی

معاون مدیرمسئول: داکتر امان الله فصیحی

سر دبیر: داکتر فرید خروش

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

احمدعلی علی زاده، دین محمد جاوید، داکتر
زکیه عادل، عبدالحمید عارفی، داکتر عبدالله
شفایی، علی امیری، داکتر علی محمد میرزایی،
داکتر غلامسخی احسانی، قربانعلی انصاری،
محمد توسلی غرjestانی، داکتر محمدجواد
صالحی، محمدرسور جواد، داکتر محمدشفق
خواتی، داکتر محمدعلی جويا، محمد هدایت.

مدیر اجرایی: رشید محمدی

ویراستار: محمدقاسم الیاسی ترگانی

طراح جلد: هادی مروج

صفحه آرا: علی جمعه محمدی

فصلنامه اندیشه معاصر در ویرایش مطالب آزاد است.
نظرات طرح شده در مقالات الزاماً دیدگاه فصلنامه
اندیشه معاصر نیست.
تمام حقوق مادی و معنوی فصلنامه اندیشه معاصر
برای بنیاد اندیشه محفوظ است.
استفاده از مطالب فصلنامه اندیشه معاصر فقط با ذکر
منبع مجاز است.

قیمت: ۲۰۰ افغانی

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات جهت انتشار در فصلنامه بنیاد اندیشه (الف) شرایط عمومی مقالات

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، روش مند، مستند و مستدل بوده با قلمی روان و رسا نگارش یافته باشند.
۲. مقالات ارسالی حتی الامکان تایپ شده و به اداره فصلنامه بنیاد اندیشه ارسال شود و یا فایل آن از طریق پست الکترونیکی به نشانی اینترنتی مجله اندیشه ایمیل گردد.
۳. حجم مقالات حداقل در ۳۰۰۰ کلمه و حد اکثر در ۸۰۰۰ کلمه تنظیم شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و تخلص، رتبه علمی، تحصیلات، ایمیل و شماره تلفون تماس همراه با مقاله ارسال شود. مقالات کتابخانه‌ای دارای یک نویسنده و مقالات تحریری یا ساحوی می‌تواند بیشتر از یک نویسنده داشته باشد.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی، خارجی، سایت و یا به عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند.
۶. با مقالات ترجمه شده، اصل آن نیز ضمیمه شود.

(ب) نحوه تنظیم مقالات

مقالات ارسالی باید دارای ساختار علمی باشند؛ یعنی دارای عنوان، مشخصات نویسنده یا نویسندگان، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، قسمت اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.

۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله حداکثر ۱۵۰-۱۷۰ کلمه تنظیم گردد. چکیده باید به اختصار شامل: بیان مسأله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خود داری گردد.
۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاگر نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
۳. مقدمه: مقدمه مقاله به بیان مسأله تحقیق، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، اهداف، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی از ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی طرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله اختصاص می‌یابد.
۴. قسمت اصلی مقاله: چارچوب نظری یا مفهومی، روش تحقیق، مواد شامل شواهد، مدارک، استدلال، تحلیل و نقد و بررسی.
۵. نتیجه‌گیری: نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود و از ذکر بیان مسأله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، چارچوب نظری، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استقرادی در این قسمت خودداری شود.

۶. نحوه ارجاع دهی

درون متنی: (تخلص، سال انتشار: شماره صفحه) برای مثال: (محمدی، ۱۳۹۰: ۲۲۰)

(ج) فهرست منابع

۱. کتاب: تخلص، نام (سال انتشار)، عنوان اثر، نام و تخلص مترجم، محل نشر: ناشر.
۲. مجله: تخلص، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام و تخلص مترجم، نام مجله، سال انتشار، (شماره مجله): صفحات مقاله.

بخش اول: معارف و سوادآموزی

- بررسی اجمالی دیدگاه معاون رئیس جمهور پیرامون وضعیت تحصیلات عالی و معارف/داکتر امان‌الله فصیحی/ ۹
- ظرفیت‌ها و مشکلات روش استنتاجی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی/داکتر محمدآصف حکمت/ ۳۵
- بایسته‌های معارف در اتحاد جامعه چندفرهنگی با توجه به افغانستان/داکتر محمدحسن فیاض/ ۶۹
- نظام تعلیم و تربیت افغانستان و فضای مجازی: فرصت‌ها و آسیب‌ها/داکتر غلام‌احیا حسینی/ ۹۷
- نحوه مواجهه حکومت‌ها با علم جدید در افغانستان از زمان شیرعلی خان تا پایان حکومت نجیب‌الله/محمدقدیر دانش/ ۱۱۷
- جایگاه هزاره‌ها در نظام تعلیم و تربیت افغانستان از آغاز تا کنون/داکتر عمران حلیمی/ ۱۴۳
- مکتب‌خانه؛ پیدایش، سیر تحول، قوت‌ها و ظرفیت‌ها/احمدعلی عزیزاده/ ۱۵۹
- تاریخچه شفاهی مکاتب خودگردان: تجربه آموزشی موفق از مهاجران افغان برای اطفال مهاجر در ایران/داکتر سید جعفر احمدی، سید نادر موسوی، روح‌الله صفری، زینب موسوی/ ۱۸۵
- تعلیم و تربیت در افغانستان با رویکرد به سوادآموزی/داکتر محمدجواد اصغری/ ۲۰۵
- سوادآموزی در افغانستان؛ دستاوردها و چالش‌ها/داکتر سردارمحمد رحیمی/ ۲۲۳

بخش دوم: تحصیلات عالی

- ارائه الگویی برای نظام تحصیلات عالی مطلوب در جامعه چندقومی افغانستان/محمدعلی نظری/ ۲۴۳
- تحصیلات عالی در افغانستان/عبدالله غفاری/ ۲۶۷
- نگاهی به مراکز رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان، معیارها، شاخص‌ها و جایگاه دانشگاه‌های افغانستان/محمدجواد برهانی/ ۲۹۷
- تحصیلات عالی خصوصی در افغانستان (چالش‌ها و آسیب‌ها)/داکتر حسین بیانی‌راد/ ۳۲۳
- آسیب‌شناسی نظام تحصیلات عالی خصوصی در افغانستان/داکتر سید محمد مهدی افضلی/ ۳۴۷
- بررسی و ارائه مؤلفه‌های شایستگی‌های یاددهی - یادگیری مدیران آموزشی دانشگاه/پوهنمل داکتر غلام‌حسین امیری/استاد پوهنمل عبدالحق نیازی/ ۳۶۵
- منطق فهم تحولات علمی در افغانستان/محمدعارف محبی/ ۳۹۱

بخش سوم: اطفال، زنان و معارف

- وضعیت تعلیمی و تحصیلی زنان در افغانستان/داکتر محمد احسانی/ ۴۱۳
- رابطه فرهنگ و نابرابری در آموزش زنان افغانستان پس از ۲۰۰۱/داکتر محمدداود سخنور/ ۴۳۷
- محرومیت اطفال از حق آموزش در افغانستان/داکتر مهری رضایی/ ۴۶۱

افغانستان و نظام آموزشی طالب‌زا

داکتر فرید خروش*

رنکینگ یا شاخص سنجش سواد در کشورهای توسعه‌یافته هر سال دچار تغییر و تحول می‌شود. با پیشرفت‌های جدید، هر ساله معیارهای سنجش سواد ارتقا پیدا می‌کند و متناسب با آن، سطح کیفی و کمی سواد از نو سنجش و تحلیل می‌شود. کیفیت و کمیت سواد در یک کشور ارتباط مستقیم با نظام آموزشی و تحصیلی آن کشور دارد. بالا یا پایین بودن شاخص‌های چون میزان کشفیات و اختراعات، رشد صنعت، ارتقای درآمد سرانه، رشد رفاه اجتماعی و در مجموع رشد اقتصادی یک کشور بازتاب‌دهنده دقیق وضعیت نظام تعلیمی و آموزشی آن کشور است.

در حالی که شاخص‌های سنجش سواد و کیفیت نظام تحصیلی هر سال ارتقا پیدا می‌کند، در افغانستان هنوز یک سیستم ابتدایی سنجش برای تعداد جمعیت باسواد، میزان سواد آنها، کیفیت سواد آنان و در نهایت مقایسه آن با رنکینگ و استانداردهای جهانی وجود ندارد. هنوز سرشماری دقیقی از جمعیت افغانستان موجود نیست و به تبع آن یک آمار قابل اطمینان از تعداد افراد در حال تحصیل در مکاتب و دانشگاه‌های افغانستان نیز وجود ندارد. زمانی که پای سنجش کیفی به میان می‌آید، موضوع از این هم دشوارتر می‌شود. ما نه تنها یک مقیاس سنجش بومی که با وضعیت اجتماعی و نظام آموزشی ما مطابقت داشته باشد در اختیار نداریم، بلکه اصولاً نهادی که متولی این مهم باشد، نیز در کشور وجود ندارد. براینکه تمام این نارسایی‌ها به اینجا ختم شده است که در انتهای دهه دوم قرن بیست و یکم، افغانستان یکی از ده عقب‌مانده‌ترین نظام‌های

*. تحلیلگر سیاسی و استاد دانشگاه کاتب.

تعلیمی و تحصیلی دنیا را در اختیار داشته باشد.

فقر آموزشی در افغانستان که نتیجه یک نظام آموزشی توسعه‌نیافته است، تا کنون نتایج فاجعه‌باری را برای ما خلق کرده است. فقر فرهنگی، تداوم سنت‌های اجتماعی فرسوده، ستیز بی‌امان با مدرنیسم، توسعه‌نیافتگی اقتصادی و بدتر از همه، رشد تفکر افراطی‌گری محصول مستقیم این نظام آموزشی است.

سوال اساسی اما این است که چه باید کرد؟

در دهه‌های آینده افغانستان بیش از اینکه به شاخص‌های رشد اقتصادی‌اش دقت کند، به یک رنسانس عمیق آموزشی و تعلیمی نیازمند است. رشد شاخص‌ها اقتصادی در یک بستر عمیقاً فاقد دانش، در حقیقت یک ارتقای کاذب است. چهار دهه بحران و ناامنی تنها اندوخته‌های اندک گذشته ما را در زمینه تعلیم و تربیه نابود نکرده، بلکه بدتر از آن، در ذهن و ضمیر بخش بزرگی از جمعیت کشور ما، ارزش‌هایی چون سواد و دانش جایش را به نوعی علم‌گریزی و ضدیت با دانش داده است. این ستیز با علم و دانش مدرن که لابد محصول جوامع غربی تلقی شده است، زمانی که در بستر تفکر دینی قرار گرفته، کاملاً رادیکالیزه شده و از درون آن لاجرم تفکر طالبانی سربرآورده که با تمام پدیده‌های مدرن به ستیز برخاسته است. تفکر طالبانی و داعشی، بیش از اینکه یک پدیده وارداتی باشد، محصول نظام آموزشی فرسوده و طالب‌آفرین خود افغانستان است. بسیار اشتباه است که ما ریشه‌های اندیشه طالبانی و داعشی را در ورای مرزهای افغانستان جستجو کنیم. نظام آموزشی سنت‌زده و شریعت‌زده افغانستان خودش طالب‌زا است. به همین سبب است که ما قبل از هر چیز به یک رنسانس عمیق آموزشی نیازمندیم؛ رنسانسی که مانند یک زلزله ویرانگر باشد و تمام پیرایه‌ها و بدعت‌ها را از سپهر فکر و اندیشه ما بتکاند و بزدايد. صد البته که بسترسازی برای این رنسانس شهادت بسیار می‌خواهد و طی کردن مسیر دشوار.

در افغانستان هنوز یکی از کم‌اهمیت‌ترین وزارتخانه‌ها وزارت معارف یا همان وزارت آموزش است. در تقسیم قدرت سیاسی بین جناح‌ها و احزاب سیاسی، معمولاً وزارت معارف خریداری ندارد. معلمین ما تا هنوز هم فقیرترین کارمندان دولت افغانستان محسوب می‌شوند و درد مضاعف اینکه جامعه ما نیز به جایگاه مهم آنان بهای شایسته‌ای قائل نیستند. دولت‌های گذشته معمولاً برای ارتقای دانش و ظرفیت معلمین پولی مصرف نکرده‌اند و این ظرفیت علمی پایین،

خودش را در فارغ‌التحصیل کردن دانش‌آموزان کم‌سواد و بعضاً بی‌سواد بازتکثیر و بازتولید است.

ضعیت وزارت تحصیلات عالی افغانستان نیز به همین منوال بوده است. فاجعه‌بارتر از می‌شود که در آخر دههٔ دوم قرن ۲۱، استادان دارای درجه علمی لیسانس، علوم رایج در ظاهرشاه و داودخان را برای شاگردان دورهٔ لیسانس تدریس کنند. تولید اندیشه و دانش نگاه‌های افغانستان در حد صفر و چشم‌انداز رشد و توسعه نیز تیره‌وتار به نظر می‌رسد.

۱۷ سال گذشته بسترهای مناسبی فراهم شد که برای ایجاد تحول در نظام آموزشی ستان کارهای خوبی صورت گیرد. این زمینه‌های مناسب هم از نظر تأمین بودجه و هم از وجود فضای مناسب سیاسی فراهم بود. اما بنا به دلایل متفاوت که مهمترین آن پایین بودن ت فکری و علمی دست‌اندرکاران عرصهٔ معارف و تحصیلات عالی است، این مهم عملی و فرصت‌ها و سرمایه‌های زیادی به هدر رفت. طی این سال‌ها دست‌اندرکاران عرصهٔ ب و تحصیلات عالی کشور نه تنها قادر به تدوین یک برنامهٔ کارآمد و قابل تطبیق نشده‌اند، در بسیاری موارد، خودشان با توسل به ساختار مدیریتی کهنه و فرسودهٔ نظام آموزشی ستان، به مثابهٔ یک سد در برابر ایجاد تحول و ورود نیروهای جوان و مجهز به دانش روز کرده‌اند. در حقیقت، در حال حاضر کمبود اصلی و زیربنایی نظام آموزشی افغانستان، چه طح مکاتب و چه در سطح تحصیلات عالی، نیروی داری ظرفیت علمی روز و در نتیجه یک برنامه‌ریزی جامع بر مبنای دانش و نیازمندی‌های عصر حاضر است.

توجه به آنچه گفته شد، دست‌اندرکاران فصلنامهٔ اندیشه معاصر بر اساس یک نیازسنجی و تبندی از پیش تعیین‌شده، شماره یازدهم این مجله را به نظام تعلیمی و تحصیلی افغانستان ماص داده‌اند. با اطمینان می‌توان گفت تا کنون چنین مجموعه مقالاتی با این کیفیت و دی، چه از جانب نهادهای دولتی و چه توسط نهادهای خصوصی، نظام آموزشی افغانستان رد تحلیل و ارزیابی قرار نداده است.

ن مجموعه از نوشته‌ها شاید تمام مشکلات، چالش‌ها و راهکارهای حل مشکلات نظام ثی کشور را پوشش ندهد. اما از این جهت درخور اهمیت است که یکی از عرصه‌های ن را که اهالی سیاست و کیاست افغانستان، حتی دست‌اندرکاران نظام آموزشی و تحصیلی

کشور، کمتر به آن بها داده‌اند و کمتر نگاه تخصصی به آن داشته‌اند، مورد توجه و تمرکز قرار داده است. این شماره از فصلنامه اندیشه معاصر نه تنها یک منبع و مأخذ مناسب برای تحقیق و پژوهش است، بلکه در برگیرنده مجموعه‌ای از آسیب‌شناسی‌ها و راهکارها برای بهبود وضعیت نظام تحصیلی در کشور نیز می‌تواند باشد که در برنامه‌ریزی و مدیریت بهتر مراکز تعلیمی و تحصیلی بسیار سودمند واقع خواهد شد.